

مهدی منتظر

در

نظر مسلمانان

تبریز: عمران علیزاده

۶  
منتشر شده

مهدی منتظر  
در  
نظر مسلمانان

تبریز: عمران علیزاده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِیْنَ سِیَّمَا بَقِیَّةِ اللّٰهِ

وَحُجَّتِهِ عَلٰی الْعَالَمِیْنَ

السَّلَامُ عَلٰی الْمُهَدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللّٰهُ

بِهِ الْاُمَمَ اَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ...

**وِیژہ نامہ**

زمستان سال ۱۳۷۹ هـ ش

یکی از مسلمات ادیان الهی بالخصوص دین مقدّس اسلام موضوع «خروج مهدی آخر الزمان» است، این مسئله در اسلام و میان مسلمین بقدری ضروری و متفق علیه است که در سال ۶۱ هجری امام سجّاد علیه السلام در مسجد شام جلو حاکم ستمگر اموی در مقام بیان مفاخر خاندان خود به اهل شام که از بسیاری از مسائل اسلامی ناآگاه بودند فرمود: پیغمبر مختار از ما است، حمزه سیدالشهداء از ما است، جعفر طیّار که با فرشته‌ها پرواز می‌کند از ما است، دو سبط این امت «نوادگان پیغمبر» از ما است، و مِنْهَا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ: مهدی این امت از ما است.

در باره حضرت مهدی سلام الله علیه صدها بلکه هزارها کتاب و مقاله نوشته شده از جمله کتاب مختصری است بنام «المهدی المنتظر و ادعیاء المهدیه» که در سال

۱۳۷۸ هـ ش که به عمره مفرده و آستان بوسی حرم مقدس نبوی مشرف بودم موقع مراجعت از زیارت بقیع این کتاب در مغازه کتابفروشی نظرم را جلب کرد، برای اینکه بدانم در مملکت سعودی و قباوی در باره سرورمان حضرت مهدی عجل الله فرجه چه نوشته است کتاب را تهیه کردم. این کتاب در حجم کوچک ۶۴ صفحه‌ای است، نویسنده آن عالمی است مصری بنام «ابو عبدالرحمن محمد بن بیومی» این کتاب به سال ۱۴۱۶ هـ ق توسط مکتبه الایمان واقع در المنصورة جلو جامعه الازهر چاپ و نشر شده است.

#### مؤلف در این کتاب:

- ۱- اثبات می‌کند که احادیث وارده در باره حضرت مهدی عجل الله متواتر و یقین آور است.
- ۲- به اعتراض ابن خلدون که در مقدمه می‌گوید: احادیث مهدی کم و ضعیف است» جواب می‌دهد.
- ۳- از دانشمندانی که احادیث حضرت مهدی را در کتابهای خود آورده‌اند و یا در باره آن حضرت کتاب مستقل نوشته‌اند یاد می‌کند.
- ۴- و از این که او از نسل پیغمبر و فاطمه عجل الله است، از نام او، از عدل او، از شرف و منزلت او، از بیعت مردم با او، و

نماز خواندن حضرت عیسی با او و... صحبت می‌کند.  
خواستم قسمت‌های مهم این کتاب را ترجمه کرده در  
اختیار برادران و خواهران دینی قرار دهم تا اشخاص کم  
اطلاع هم بدانند که مسئله مهدی موعود مسلّم و اتفاقی همه  
امت اسلامی است.

نویسنده کتاب پس از حمد و ثنای الهی و شهادت به  
توحید و رسالت و ایراد چند آیه می‌نویسد:

من کتابی به عنوان «علامات يوم القيامة الكبرى» نوشتم که  
مکتبه الایمان واقع در «المنصوره» آنرا چاپ و نشر کرد،  
کتاب دیگری در مبحث «نزول عیسی علیه السلام» نوشتم که در آن  
مبحث اشاره به «مهدی منتظر» رفته بود، در آنجا وعده دادم  
که در کتابی مستقل از سیره مهدی علیه السلام صحبت کنم، و این  
همان کتاب است.

این کتاب را تقدیم می‌کنم به برادرانی که به طور اجمال  
به مهدی ایمان دارند، ولی از شرح و تفصیل سیره او اطلاع  
ندارند، و همچنان تقدیم می‌کنم به کسانی که مهدی را  
تکذیب کرده و احادیث وارد درباره او را به خیال اینکه آنها  
احادیث ضعیف‌السند است، و اینکه در صحیحین نقل نشده  
ردّ می‌کنند، و به زودی این هر دو ایراد را ردّ خواهم کرد،  
لِيُخَيِّرَ مَنْ حَيٌّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ.

## مهدی کیست؟

مهدی مرد صالحی است از خاندان رسول الله ﷺ و ذریه نواده او حسن علیهما السلام (۱) در آخرالزمان که زمین پر از ظلم و جور می شود آمده زمین را پر از عدل و داد می کند، هفت سال یا نه سال حکومت می کند، خدا کسانی را می انگیزاند که زمینه را برای بیعت و امامت او آماده می کنند، و این بعد از زمانی واقع می شود که خلیفه (خلافت) از بین می رود، تا ذمه مردم از بیعت خالی باشد، مهدی به عقیده اهل سنت و جماعت بشری است از جمله

---

۱- در سال ۱۴۵ هـ که محمد بن عبدالله بن حسن بن امام حسن علیهما السلام معروف به نفس زکیه خروج کرد جمعی به عنوان مهدی به او بیعت کردند، پیروان او در اخبار مهدی تصرف و به او تطبیق کردند، این روایات در کتب اهل سنت نقل شده و به این معتقد شدند که مهدی از فرزندان امام حسن علیهما السلام است، در صورتی که طبق روایات زیاد حضرت مهدی از نسل امام حسین علیهما السلام است.

بشرها که نه پیغمبر است و نه معصوم (۱)

به عقیده اهل سنت این مرد صالح که از نسل رسول خدا است در آخرالزمان ظاهر می‌شود تا مردم را به حق هدایت نموده، و از ضلالت و تباهی باز دارد.

شوکانی (۲) می‌گوید: احادیثی که در باره حضرت مهدی وارد شده و در دسترس ما است پنجاه حدیث است که قسمتی از آنها صحیح، و بعضی حسن، و بعضی ضعیف مُنْجَبَر است (یعنی ضعیف آنها با احادیث دیگر جبران شده) این احادیث بدون شک و شبهه به مرحله تواتر و یقین رسیده است.

سفارینی (۳) در کتاب لوامع الانوار الالهیه ج ۲/۸۰ ایمان

---

۱- به عقیده شیعه حضرت مهدی علیه السلام بشری است فوق‌العاده، مؤید از جانب خدا، پیغمبر نیست و به او وحی نازل نمی‌شود، دین تازه نمی‌آورد، ولی مانند پیامبران و سایر امامان معصوم از گناه می‌باشد.

۲- احمد بن محمد بن علی شوکانی از قضاة فاضل یمن و اهل صنعا بود، به سال ۱۲۲۹ هـ ق متولد شد، در بعض شهرها مسافرت و از دانشمندان آنها کسب علم نمود، بسال ۱۲۸۱ هـ وفات یافت. - الاعلام

۲۳۴/۱

۳- ابوالعون محمد بن احمد سفارینی عالم به حدیث و اصول و ادب بود،



به مهدی را از جمله عقاید اهل سنت و جماعت شمرده می‌گوید: نصوص و روایاتی که در باره علائم آخرالزمان و قیام قیامت آمده بدون شبهه هم‌اکنون حق است، از آن جمله است ظهور امام خاتم فصیح حضرت محمد مهدی و مسیح علیه السلام.

باز سفارینی گوید: عقاید و اقوال درباره مهدی زیاد است، او پیش از نزول عیسی علیه السلام ظاهر خواهد شد، درباره ظهور او بقدری روایات بسیار وارد شده که به حد تواتر معنوی رسیده، و بطوری در میان دانشمندان اهل سنت شایع شده که از جمله معتقدات ایشان به شمار آمده است. ابو محمد بن قدامه مقدسی در کتاب «لمعة الاعتقاد» گوید: واجب است ایمان و اعتقاد داشتن به هر آنچه رسول خدا بما خبر داده، و با نقل صحیح بما رسیده خواه درباره چیزهای مشاهد و محسوس باشد، یا درباره چیزهای غائب از ما باشد که میدانیم حق و درست است، عقل ما آنرا

---

سال ۱۱۱۴ هـ در سفارین از دهات نابلس متولد شد، به دمشق مهاجرت کرده و از علماء آن سامان کسب علم نمود، سپس به نابلس برگشته مشغول تدریس و افتاء شد، تا در سال ۱۱۸۸ هـ از دنیا رفت، از کتابهای او است «لوائح الاتوار البهیه» در دو جلد - الاعلام ۶/۲۴۰

درک کند، یا از حقیقت آن اطلاع نداشته باشد، مثل حدیث اسراء و معراج، و از این قبیل است اَشْرَاطُ السَّاعَةِ مثل خروج دَجَّال و نزول عیسی بن مریم که دَجَّال را می‌کشد، و خروج دَابَّةِ الْأَرْضِ و نظائر اینها که با نقل صحیح بما رسیده است.

سخن ابن قدامه که گوید: واجب است ایمان به آنچه رسول خدا خبر داده و با نقل صحیح بما رسیده «شامل ایمان به مهدی هم می‌شود، چون احادیث صحیح درباره مهدی وارد و به رسول خدا اسناد داده شده، و همچنین سخن او در باره اَشْرَاطُ السَّاعَةِ که گفت: و نظائر اینها که با نقل صحیح بما رسیده» شامل ظهور مهدی می‌باشد، چون احادیث وارد در باره حضرت مهدی با سند صحیح نقل شده و بیان می‌کند که خروج آن حضرت در مقدمه و پیشروی اَشْرَاطُ است بلکه او از جمله اَشْرَاطُ است، چون او امامی است که عیسی به او نازل شده و در قتل دَجَّال او را یاری می‌کند، چنانکه این مطلب در مسند حارث بن ابی اسامه آمده، لذا ایمان به آمدن مهدی واجب است.

اخبار و احادیث وارد در باره حضرت مهدی عجل الله فرجه به حدّ تواتر معنوی رسیده و جمعی از علماء و دانشمندان گذشته این معنی را نقل کرده‌اند:

۱- ابوالحسن محمد بن حسین بن ابراهیم سجستانی  
آبری متوفای سال ۳۶۳ هـ ق در کتاب «مناقب الشافعی»  
گوید: اخبار مستفیض و متواتر درباره مهدی از رسول خدا  
رسیده که او از اهل بیت رسول است، هفت سال حکومت  
می‌کند، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، عیسی علیه السلام نزول  
نموده در کشتن دجال او را یاری می‌کند، او امامت و  
رهبری این امت را بعهد می‌گیرد، و عیسی پشت سر او  
نماز می‌خواند.

ابن القیم در کتاب «المنار المنیف» ابن حجر در «فتح  
الباری» سیوطی در «العرف الوردی» ابوالحجاج در «تهذیب  
الکمال» مطالب بالا را از آبری سجستانی نقل کرده‌اند.

۲- شیخ محمد برزنجی مدنی متوفای سال ۱۱۰۳ هـ در  
کتاب «الاشاعة لاشراط الساعة در ص ۱۱۲» گوید: احادیث  
مهدی، و خروج او در آخرالزمان، و اینکه او از عترت رسول  
خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه علیها السلام است» به حدّ تواتر معنوی  
رسیده است، پس انکار آنها بی معنی و باطل است.

باز در ص ۱۸۹ گوید: آنچه با اخبار صحیح و صریح و  
مشهور و متواتر معنوی ثابت شده وجود آیات و علائم  
بزرگ است که از جمله آنها، بلکه اول آنها خروج حضرت  
مهدی می‌باشد، و اینکه او در آخرالزمان می‌آید، و از اولاد

حضرت فاطمه علیها السلام است، زمین را پر از عدل می‌کند  
چنانچه پر از ظلم شده باشد.

۳- شیخ علامه سفارینی حنبلی متوفای سال ۱۱۸۸ هـ  
در کتاب «لوامع الانوار البهیه» ج ۲/۸۴ گوید: درباره خروج  
مهدی اخبار زیاد آمده که به حدّ تواتر معنوی رسیده،  
سپس مجموعه احادیثی از بعض صحابه نقل نموده و بعداً  
گفته است: از آنهایی که یادآوری شد، و از غیر آنها از  
صحابه روایات متعدد نقل شده، و از تابعین بعد از صحابه  
بقدری اخبار و آثار نقل شده که مفید علم قطعی است -  
آنچه مفید علم قطعی است متواتر است - پس ایمان به  
ظهور مهدی واجب است، چنانچه نزد اهل علم مقرر، و در  
عقاید اهل سنت مدّون است.

۴- علامه قاضی محمد بن علی شوکانی متوفای سال  
۱۲۵۰ هـ در کتاب «التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و  
الدّجال و المسیح» پس از ایراد احادیثی که در این باره آمده  
گوید: پس مقرر شد که احادیث وارده درباره مهدی منتظر  
متواتر است، احادیث وارده درباره دجال متواتر است، و  
احادیث وارده درباره نزول عیسی علیه السلام متواتر است، و امّا  
آثاری که از صحابه نقل شده و به ظهور مهدی تصریح  
شده خیلی زیاد است.

۵- شیخ صدیق حسین قنوجی متوفای سال ۱۲۰۷ هـ در کتاب «الاذاعه» ص ۱۱۲ گوید: احادیث وارده در باره حضرت مهدی با اختلاف ظاهر روایاتش خیلی زیاد است و به حدّ توأتر رسیده است، در کتب سنن و دواوین اسلام نقل شده است، سپس در ص ۱۴۵ گوید: شکی در این نیست که مهدی بدون معین بودن ماه و سالش در آخرالزمان خارج می‌شود و این مقتضای اخبار متواتره، و اتفاق جمهور امت اسلامی است که خلفا عن سلف قبول نموده‌اند به غیر از اشخاص معدودی که به سند ایشان اعتنا نیست.

در ص ۱۴۶ گوید: در امر این مرد فاطمی موعود منتظر که ادله زیاد بر آن دلالت دارد جای شک نیست، بلکه انکار آن جرأت بزرگ است در مقابل نصوص مستفیضه که به حدّ توأتر رسیده است.

۶- شیخ علامه محمد بن جعفر کتّانی متوفای سال ۱۲۴۵ هـ ق در کتاب «نظم المتأثر» ص ۱۴۵ گوید: ابن خلدون در مقدمه مشهور خود به عقیده‌اش احادیث خروج مهدی را به قدر استطاعت خود کاملاً تتبع کرده و آنها را سالم از عیب و علت نیافته ولی علماء او را ردّ کرده و جواب داده‌اند به اینکه احادیث وارده در این باب با وجود اختلاف ظاهر روایاتش خیلی زیاد است و به حدّ توأتر می‌رسد، احمد

حنبل، ترمذی، ابوداود، ابن ماجه، حاکم، طبرانی، ابویعلی  
موصلی، بزّاز، و دیگران در مسانید و معاجم آنها را از  
جماعتی از صحابه نقل کرده‌اند، پس با این وضع انکار  
سزاوار نیست، در صورتی که احادیث بعضی بعض دیگر  
را تأیید می‌کند، و با شواهد و قرائن مستحکم می‌گردد.

امر حضرت مهدی در همه عصرها بین تمامی اهل  
اسلام مشهور بوده، و اینکه باید در آخرالزمان مردی از  
خاندان رسول اکرم ظهور نموده دین را تأیید و عدل را  
ظاهر سازد، مسلمانان از او پیروی کنند، بر معالک اسلامی  
مسلط شود، و مهدی نامیده می‌شود، خروج دجال و اشراف  
الساعه که با نقل صحیح ثابت شده پس از خروج او  
می‌باشد، و عیسی علیه السلام بعد از او، یا همراه با او نازل شده در  
کشتن دجال او را یاری می‌کند، و در نماز به مهدی اقتداء  
می‌کند.

در ص ۱۴۷ که در باره احادیث نزول حضرت عیسی  
علیه السلام است گوید: گفته‌اند که نزول آن حضرت با کتاب و  
سنت و اجماع ثابت شده است، سپس گوید: حاصل مطلب  
این است که احادیث وارده درباره مهدی منتظر متواتر  
است، و همچنین است اخبار وارده درباره دجال و نزول  
عیسی ابن مریم علیه السلام.

۷- در کتاب «نظم المتناثر من العدیث المتواتر» در ص ۱۴۴

آمده است: اشخاص زیاد از حافظ سخاوی نقل کرده‌اند که اخبار مهدی متواتر است، سخاوی این مطلب را در کتاب فتح المغیث از ابوالحسن آبری نقل کرده است، ابوالعلاء ادریس بن محمد بن ادریس حسینی عراقی در کتابی که در باره مهدی نوشته گوید: احادیث مهدی متواتر است، یا نزدیک به حدّ تواتر است، جمعی از حافظان ناقد به مطلب اول قائلند.

بعض علماء بر احادیث مهدی طعن و ایراد نموده‌اند، از جمله ابن خلدون در مقدمه خود گوید: احادیث مهدی را بخاری و مسلم در کتابهای خود نیاورده‌اند، اگر این احادیث صحیح بود ایشان در کتابهای خود می‌آوردند. به او جواب داده‌اند به اینکه بخاری و مسلم ملتزم نبودند که هر حدیث صحیح را در کتاب خود بیاورند، و تمام احادیث را ننوشته‌اند، دلیلش این است که احادیث صحیح زیاد هست که آنها نقل نکرده‌اند از آن جمله است احادیث صحیح حضرت مهدی.

احادیث حضرت مهدی از جمعی از صحابه نقل شده مانند: عثمان بن عفان، علی بن ابیطالب، طلحة بن عبیدالله، عبدالرحمن بن عوف، حسین بن علی، ام سلمه، ام حبیبه،

عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو، عبدالله بن عباس، ابوهریره، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله، انس بن مالک، عمران بن حصین، عمار بن یاسر، جابر بن ماجد صدفی، عوف بن مالک، قرّة بن ایاس مزنّی، ثوبان غلام رسول خدا، علی هلالی، حذیفه بن یمان، عبدالله بن حارث بن جزء و ابوالطفیل رضی الله عنهم اجمعین.

ابن خلدون گر چه در تاریخ و علم الاجتماع عالم است ولی او محدّث نیست، و سخن او در مقام جرج و تعدیل پذیرفته نمی باشد.

شیخ احمد شاکر در تخریج احادیث مسند امام احمد ج ۱۹۷/۵ گوید: اما ابن خلدون چیزی را تعقیب کرده که به آن علم ندارد، و به ورطه‌ای وارد شده که از مردان آن نیست، و گفته: ابن خلدون در فصلی که در مقدمه خود برای مهدی علیه السلام ترتیب داده اشتباه عجیب کرده و مرتکب غلطهای واضح شده است.

و باز گفته: ابن خلدون سخن محدثان را که می گویند: جرج بر تعدیل مقدم است «خوب نفهمیده، اگر از اقوال آنها مطلع بود و آنها را خوب می فهمید هیچ یکی از آن سخنها را نمی گفت».

شیخ عبدالمحسن العباد در «الرد علی من کذب بالاحادیث



**الصحيحة الواردة في المهدي، ص ٢٨ در جواب ایراد ابن خلدون بر احادیث مهدی گوید:**

جواب اول این است که خود ابن خلدون به سالم از عیب و انتقاد بودن بعض احادیث اقرار کرده در آنجا که بعد از نقل احادیث مهدی گوید: اینها همه احادیثی است که پیشوایان در باره مهدی و خروج او در آخرالزمان نقل کرده‌اند و آنها چنانکه دیدی از عیب و انتقاد سالم نماند مگر مقدار خیلی کمی» در صورتی که مقدار زیادی از احادیث مهدی بدست ابن خلدون نرسیده و او آنها را ندیده است.

جواب دوم این است که ابن خلدون تاریخ نویس است و از مردان علم حدیث نمی‌باشد، پس در صحیح و ضعیف دانستن حدیث به قول او اعتنا نمی‌شود، بلکه در این باب به قول امثال بیهقی، عقیلی، خطابی، ذهبی، ابن تیمیّه، ابن القیم و دیگران که اهل روایت و درایت هستند اعتنا و اعتماد می‌شود، و اینها به صحیح بودن اکثر احادیث مهدی قائلند. کسی که در این باره به ابن خلدون رجوع می‌کند مانند کسی است که دریای مواج را ترک نموده به سر نهر کوچک می‌رود، و عمل ابن خلدون در نقد احادیث مانند کسی است که طبیبان حاذق و ماهر را پشت سر گذاشته و خود

مشغول طبابت می‌شود.

شیخ محمد بن جعفر کتّانی در کتاب «نظم المتناثر» ص ۱۴۶ گوید: اگر خوف اطاله نبود آنچه را که از احادیث مهدی بدست آورده‌ام در اینجا نقل می‌کردم، چون مردم زیاد را می‌بینیم در زمان ما در امر مهدی اظهار شک می‌کنند و می‌گویند: راستی احادیث مهدی قطعی است یا نه؟ و عده زیادی سخن ابن خلدون را قبول کرده و به آن اعتماد می‌کنند، در صورتی که ابن خلدون مرد این میدان نیست، حق این است که در هر فتنی باید به صاحبان آن فنّ مراجعه شود.

شیخ بخاری و مسلم گر چه در صحیح خود احادیث مهدی را نقل نکرده‌اند ولی پیشوایان دیگر مانند صاحبان چهار سنن دیگر، و امام احمد، حاکم، و ابن حبان و سایر علمائی که قول آنها مقبول است و با احادیث ایشان استدلال می‌شود احادیث مهدی را نقل کرده‌اند، به علاوه دانشمندانی که در این موضوع کتابهای مستقل نوشته‌اند. علاوه بر اینها اصل بعض احادیث وارده درباره حضرت مهدی در صحیحین هست، از آن جمله است حدیثی که امام مسلم در صحیح خود جلد ۱/۱۳۵ در کتاب الایمان - باب نزول عیسی بن مریم حاکماً بشریعة محمد

عَبْدُ اللَّهِ ﷺ از جابر بن عبدالله نقل نموده که از رسول خدا شنیدم که می فرمود: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلِيَّ الْحَقَّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ تَعَالَى صَلِّ لَنَا فَيَقُولُ: لَا إِنْ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أُمَرَاءَ، تَكْرِمَةً لِلَّهِ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ. (۱)

در حدیث دیگر نام این امیر وارد و بیان شده است، و احادیث بعض آنها بعض دیگر را تفسیر می کند، ابن قیم در کتاب «المنار المنيف» ص ۱۴۷ گوید: حارث بن ابی اسامه در مُسند خود گوید: حدیث کرد به ما اسماعیل بن عبدالکریم، حدیث کرد به ما ابراهیم بن عقیل از پدرش از وهب بن منبه از جابر که رسول خدا ﷺ فرمود: يَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ تَعَالَى صَلِّ بِنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنْ بَعْضَكُمْ أَمِيرٌ بَعْضٍ، تَكْرِمَةً لِلَّهِ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ، و این اسناد خوب است. از بخاری نقل شده که می گفت: در کتاب جامع خود نیاورده ام مگر احادیث صحیح را، و به جهت طولانی شدن

---

۱- دائماً طائفه ای از امت من بطور علنی و پیروزمندانه تا روز قیامت می جنگند فرمود: پس عیسی ابن مریم نازل می شود، امیر مسلمانان می گوید: بیا برای ما نماز بخوان، عیسی می گوید: نه، شما امیر یکدیگر می باشید، این کرامتی است از جانب خدا به این امت.

مطلب احادیث صحیح زیاد را ترک کرده و نقل ننموده‌ام.  
و از مسلم نقل شده که می‌گفت: تمام احادیثی را که به  
نظرم صحیح است در این کتاب نیاورده‌ام، بلکه احادیثی را  
که اجماعی است آورده‌ام.

بعض دانشمندانی که احادیث و آثار وارده در باره  
مهدی را در کتابهای خود آورده‌اند، یا آنها را از دیگران  
نقل کرده و با آنها اجتهاج نموده‌اند نام آنها را در اینجا نقل  
می‌کنیم:

۱- ابو عبدالله نعیم بن حمّاد متوفای سال ۲۲۸ هـ ق در  
کتاب الفتن

۲- یحیی بن عبدالحمید حمّانی متوفای سال ۲۲۸ هـ ق  
در مُسند خود

۳- محمد بن سعد کاتب واقدی متوفای ۲۳۰ در «الطبقات  
الکبری»

۴- ابوبکر بن ابی شیبّه متوفای سال ۲۳۵ هـ در مصنّف  
خود.

۵- احمد بن حنبل متوفای سال ۲۴۱ هـ در سُنن خود.

۶- ابن ماجه متوفای سال ۲۷۳ هـ در سُنن خود

۷- ابو داود متوفای سال ۲۷۵ هـ در سُنن خود

۸- ترمذی متوفای سال ۲۷۹ هـ در جامع خود

- ۹- حارث بن ابی اسامه متوفای ۲۸۲ هـ در مسند خود  
۱۰- ابوالحسن حربی متوفای سال ۲۸۵ هـ در مجلد اول

### الحربیات

- ۱۱- بزاز... متوفای سال ۲۹۲ هـ در مسند خود  
۱۲- نسائی متوفای سال ۳۰۳ هـ در سنن کبری  
۱۳- ابویعلی موصلی متوفای سال ۳۰۷ هـ در مسندش  
۱۴- رویانی متوفای سال ۳۰۷ هـ در مسندش  
۱۵- ابن جریر طبری متوفای سال ۳۱۰ هـ در تهذیب

### الاسماء

- ۱۶- ابوجعفر عقیلی متوفای سال ۳۲۲ هـ در کتاب

### الضعفاء

- ۱۷- ابن المنادی متوفای سال ۳۳۶ هـ در اعلام  
۱۸- ابن حبان متوفای سال ۳۵۴ هـ در صحیح خود  
۱۹- طبرانی متوفای سال ۳۶۰ هـ در سه معجم خود  
۲۰- ابوالحسن آبری متوفای سال ۳۶۳ هـ در مناقب

### الشافعی

- ۲۱- ابوبکر مقری متوفای سال ۳۸۱ هـ در معجم خود  
۲۲- دار قطنی متوفای سال ۳۸۵ هـ در الافراد  
۲۳- خطابی متوفای سال ۳۸۸ هـ در معالم السنن  
۲۴- ابن منده متوفای سال ۳۹۵ هـ در تاریخ اصفهان

- ۲۵- الحاکم متوفای سال ۴۰۵ هـ در المستدرک
- ۲۶- تمام الرازی متوفای سال ۴۱۴ هـ در فوائد خود
- ۲۷- ابو نعیم اصفهانی متوفای ۴۳۰ هـ در الحلیه و کتاب المهدی
- ۲۸- ابو عمرو دانی متوفای ۴۴۴ هـ در سنن خود
- ۲۹- بیهقی متوفای سال ۴۵۸ هـ در دلائل النبوه و البعث

### و النشور

- ۳۰- خطیب بغدادی متوفای سال ۴۶۳ در تلخیص المتشابه و در المتفق و المفترق
- ۳۱- قاضی عیاض متوفای ۵۴۴ هـ در کتاب الشفاء
- ۳۲- ابن عساکر متوفای ۵۷۱ هـ در تاریخ خود
- ۳۳- ابن جوزی متوفای ۵۹۷ هـ در تاریخ خود
- ۳۴- قرطبی متوفای ۶۷۱ هـ در کتاب: التذکرة فی احوال

### الموتی و امور الاخرة

- ۳۵- ابن تیمیه متوفای ۷۲۸ هـ در منهاج السنة النبویة
- ۳۶- ابوالحجاج مزی متوفای ۷۴۲ هـ در تهذیب الکمال
- ۳۷- ذهبی متوفای ۷۴۸ هـ در تلخیص المستدرک
- ۳۸- ابن قیم متوفای ۷۵۱ هـ در المنار المنیف
- ۳۹- ابن کثیر متوفای ۷۷۴ هـ در تفسیر و الصحیح و

### الضعیف

- ۴۰- ابن حجر عسقلانی متوفای ۸۵۲ هـ در فتح الباری، و

## تهذيب التهذيب

۴۱- سخاوی متوفای ۹۰۲ در فتح المغیث

۴۲- علامه سیوطی متوفای ۹۱۱ در العرف الوردی

۴۳- ابوالحسن سمهودی متوفای ۹۱۱

۴۴- عبدالرثوف مناوی متوفای ۱۰۲۲ در فیض القدير

۴۵- صنعانی متوفای ۱۱۸۲ به نقل الازاعه

۴۶- سفارینی متوفای ۱۱۸۸ در لوامع الانوار البهیة، و

## البحور الزاخره

۴۷- ابن عبدالوهاب متوفای ۱۰۲۶ در الرد علی الرافضه

۴۸- شوکانی متوفای ۱۲۵۰ در التوضیح

۴۹- محمد بشیر سہسوانی متوفای ۱۳۲۶ در صیانة

## الانسان عن وسوسة دحلان

۵۰- شمس الحق عظیم آبادی متوفای ۱۳۲۹ در عون

## المعبود

۵۱- کشمیری متوفای ۱۳۵۳ در التصریح

۵۲- مبارکفوری متوفای ۱۳۵۳ در تحفة الاحوذی

## **کسانی که در باره احادیث مهدی کتاب جداگانه نوشته‌اند:**

توجه پیشوایان علم و حدیث منحصر به این نشده که احادیث مهدی را در ضمن کتابهای خود نقل کنند و آنها را تصحیح و تحسین و یا تضعیف کنند، بلکه پا را از این مرحله فراتر نهاده در باره آنها کتاب مستقل و جداگانه نوشته و آنها را از جوانب متعدد مورد مناقشه قرار داده‌اند که در این جا نام آنها ذکر می‌شود.

۱- ابوبکر بن ابی خيثمه، سهیلی گوید: احادیث وارده درباره مهدی زیاد است، ابوبکر بن ابی خيثمه آنها را جمع و زیاد نقل کرده است.

۲- امام نعیم بن حمّاد استاد بخاری در کتابی بنام «الفِتن» احادیث زیادی درباره مهدی جمع کرده است.

۳- ابو داود سجستانی در سنن خود کتابی بنام «کتاب المهدی» منعقد نموده است.

۴- حافظ ابونعیم اصفهانی جزئی دارد بنام «صفة المهدی» که در آن چهل حدیث جمع کرده است



۵- امام ابوالحسین ابن منادی جزئی دارد که اخبار مهدی را در آن جمع نموده است.

۶- علامه ابن کجّ شافعی نام کتاب او «البيان في اخبار صاحب الزمان» است.

۷- امام جلال‌الدین یوسف بن یحیی بن علی مقدسی شافعی، نام کتاب او «عقد الدرر فی اخبار المنتظر» است.

۸- حافظ ولی‌الدین ابوزرعۀ عراقی طرق احادیث مهدی را جمع کرده است

۹- حافظ عماد‌الدین بن کثیر در کتاب الفتن و الملاحم گوید: برای یاد مهدی جزء علیحده معین کرده‌ام.

۱۰- حافظ سخاوی، نام کتاب او «ارتقاء الغرف» است

۱۱- علامه ابن بریده، نام کتاب او «العواصم عن الفتن القواصم» است

۱۲- حافظ جلال‌الدین سیوطی، نام کتاب او «العرف الوردی فی اخبار المهدی» است، و کتاب دیگر بنام «الکشف فی مجاوزة هذه الامة الالف» و کتاب سوم بنام «تعريف الفنة باجوبة الاسئلة المائة»

۱۳- فقیه ابن حجر هیتمی مکی، نام کتاب او «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» است.

۱۴- ملا علی‌المتقی الهندی صاحب کتاب «کنز العمال»

دو کتاب دارد بنامهای: «البرهان فی علامات آخر الزمان» و «تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان»

۱۵- ملاً علی قاری هروی، نام کتاب او «المشرب الوردی فی مذهب المهدی» است.

۱۶- شیخ مرعی بن یوسف حنبلی نام کتاب او «فوائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر» است.

۱۷- شیخ برزنجی نام کتاب او «الاشاعة لا شرط الساعة» است.

۱۸- علامه محمد احمد سفارینی، نام کتاب او «البحور الزاخرة من علوم الاخرة» است.

۱۹- قاضی محمد بن علی شوکانی، نام کتاب او «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسیح» است.

۲۰- علامه محمد صدیق حسن خان، نام کتابهای او یکی «حجج الکرامه فی آثار القیامة» و دیگری «الاذاعة لما کان و ما یكون بین یدی الساعة» است.

۲۱- علامه محمد بن اسماعیل صنعانی احادیثی را که به خروج مهدی دلالت دارد جمع کرده است.

۲۲- علامه محمد حبیب اللّه شنقبطی، نام کتاب او «الجواب المقنع المحرر فی اخبار عیسی و المهدی المنتظر» است.

- ۲۳- محدّث ابوالعلاء سید ادریس بن محمد بن ادریس  
حسینی عراقی (نام کتابش را نیاورده است)
- ۲۴- شیخ منصور علی ناصف در کتاب «التاج» برای  
احادیث مهدی باب مستقل منعقد نموده است.
- ۲۵- شیخ محمد بن عبدالعزیز بن مانع، کتابش بنام  
تحقیق النظر باخبار المنتظر» می باشد.
- ۲۶- شیخ عبدالمحسن العباد، نام کتابهای او یکی بنام  
«الرّد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی  
المهدی» و نام دیگری «عقیده اهل السنّة والاثر فی المهدی  
المنتظر» است.
- ۲۷- شیخ حمّود بن عبدالله تویجری، نام کتاب او  
«الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر» است.
- ۲۸- شیخ عبدالعظیم بن عبدالعظیم بستوی، نام کتاب او  
«الاحادیث الواردة فی شأن المهدی فی میزان الجرح و  
التعدیل» است، و آن رساله ماجستیر است با اشراف دکتر  
محمد ابوشهبه.
- ۲۹- شیخ ابوالفضل غماری، نام کتاب او «المهدی  
المنتظر» است.
- ۳۰- شیخ حامد محمود لیمود، نام کتاب او «سیدالبشر  
یتحدّث عن المهدی المنتظر» است.

- ۳۱- استاد صلاح‌الدین عبدالحمید هادی، نام کتاب او «حقیقة الخیر عن المهدي المنتظر» است.
- ۳۲- شیخ محمد بن اسماعیل، نام کتاب او «المهدی حقیقة لاخرافة» است.

## فصل اول

در بیان این که مهدی ذریّه رسول خدا ﷺ است:

- ۱- ام سلمه رضی الله عنها گوید: شنیدم که رسول خدا فرمود: المهدی من عترتی من ولد فاطمة. (۱) مهدی از عترت من است از اولاد فاطمه می باشد. (۲)
- ۲- ابوسعید خدری رضی الله عنه گوید: شنیدم که رسول خدا فرمود: لا تقوم الساعة حتی تملأ الارض ظلما و عدوانا - قال - ثم یخرج من عترتی - او من اهل بیتی - من

---

۱- عترت مرد عبارت است از خویشاوندان مخصوص او، عترت پیغمبر عبارتند از فرزندان عبدالمطلب، گفته اند: عترت پیغمبر عبارتند از اهل بیت نزدیک او که اولاد خود آن حضرت و علی و اولاد او، مشهور و معروف این است که عترت پیغمبر عبارتند از اهل بیت او که زکات بر آنها حرام است - النهایه

۲- این حدیث را ابوداود، ابن ماجه در سنن، حاکم در مستدرک نقل نموده اند، البانی در «الضعیفه» گفته: سند این حدیث خوب است و راویان آن موثقند.

يَمْلَأُهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ عُذْوَانًا: قِيَامَتِ بَرِ پَا  
نمی‌شود تا آنکه زمین پر از ستم و تجاوز شود - فرمود:  
سپس مردی از عترت من - یا از اهل بیت من - خارج شود،  
زمین را پر از عدل و داد می‌کند همچنانکه پر از ظلم و  
تجاوز شده باشد. (۱)

۳- باز ابوسعید گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی از  
من (نسل من) است، وی گشاده پیشانی، کشیده بینی است،  
زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانچه پر از جور و ظلم  
شده باشد، هفت سال حکومت می‌کند. (۲)

۴- علی رضی الله عنه از رسول خدا نقل می‌کند که آن  
حضرت فرمود: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ  
رِجَالًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا: اگر از  
روزگار نماند جز یک روز خدا مردی را از خاندان من  
مبعوث می‌کند، دنیا را پر از عدالت می‌کند همچنانکه پر از

---

۱- این حدیث را احمد در مسند ج ۱، ابوداود در موارد، ابونعیم در  
حلیة الاولیاء و حاکم در مستدرک نقل نموده‌اند.

۲- این حدیث را ابوداود در سنن و ابن قیم در المنار المثیفة با سند  
خوب نقل نموده‌اند.

ستم شده باشد. (۱)

در نقل دیگر بجای «رجلا من اهل بیتی» عبارت «رجلاً منّا» آمده است.

۵- ابوهریره گوید: رسول خدا فرمود: لو لم یبق من الدنيا الا لیلة لملک فیها رجل من اهل بیتی: اگر از عمر دنیا باقی نماند مگر یک شب حتماً در آن شب مردی از اهل بیت من مالک دنیا می‌شود. (۲)

- 
- ۱- احمد در مسند ج ۱ و ابوداود در سنن خود این حدیث را نقل کرده‌اند، عظیم آبادی در «عون المعبود» ج ۱ گفته: سند آن خوب است.
- ۲- ابوعمر و مقری در سنن خود ج ۵ این حدیث را با سند صحیح و روایات موثق نقل نموده است.

## فصل دوم

در بیان نام مهدی علیه السلام :

۱- عبدالله بن مسعود گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: لا تذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی: عمر دنیا به سر نمی آید تا مردی از خاندان من بر عرب مالک شود که نام او مطابق نام من، و نام پدر او مطابق نام پدر من است. (۱)

۲- ابوهریره گوید: رسول خدا فرمود: لو لم یبق فی الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی ینزل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی: اگر در دنیا باقی نماند مگر یک روز خدا آن روز را طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل

---

۱- در سال ۱۴۵ هـ محمد بن عبدالله بن حسن بن امام حسن علیه السلام معروف به «نفس زکیه» بر علیه حکومت بنی عباس قیام نمود پیروانش به او لقب مهدی دادند، و برای اثبات حقانیت او در اخبار ظهور حضرت مهدی تصرف کرده و «اسم ابیه اسم ابی» اضافه نمودند، و این احادیث تعریف شده در کتب اهل سنت آمده است.



بیت من ولایت و حکومت کند که نام او مطابق نام من است. (۱)

۳- عبدالله بن مسعود گوید: رسول خدا فرمود: لا تنقضی الایام و لا یذهب الدهر حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی اسمه یواطئ اسمی: روزها پایان نیابد، و روزگار به سر نمی‌رسد تا آنکه مردی از خاندان من مالک عرب شود که نام او مطابق نام من است. (۲)

---

۱- این حدیث را ترمذی از دو طریق نقل نموده: یکی از ابوهریره، و دیگری از عبدالله بن مسعود، و گفته: حسن و صحیح است شعرانی گفته: مراد از «یوم» (یک روز) یوم پروردگار متعال است که در آیه: و ان یوما عند ربک کالف سنة مما تعدون: یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال است از سالهائی که می‌شمارید.

۲- این حدیث را احمد در مسند ج ۱/۳۷۶، و ترمذی نقل نموده‌اند، ترمذی گفته: حسن و صحیح است.

## فصل سوم

در عدالت مهدی و فراوانی نعمت در زمان او:

۱- ابوسعید خدری گوید: رسول خدا ﷺ فرمود:

المهدی منی اجلی الجبهة، اقنى الانف يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً و يملك سبع سنين. (۱)

۲- باز ابوسعید گوید: رسول خدا فرمود: لا تقوم

الساعة حتى تُملأ الارض ظلماً و عدواناً ثم يخرج من عترتی - او من اهل بیتی - من يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً. (۲)

۳- باز ابوسعید گوید: ترسیدیم و نگران شدیم از این که

پس از پیغمبر ما حادثه ناگوار رخ دهد لذا از آن حضرت در باره آینده - سؤال کردیم؟ فرمود: ان من اُمتی المهدی، یعیش خمساً او سبعاً او تسعاً، قلنا: ماذا؟ قال: سینین، قال: فیجیئ الیه رجلٌ فیقول: یا مهدی اعطني اعطنی، فیُخني فی ثوبه ما استطاع ان یخمله: مهدی از امت من

---

۱- ترجمه و مدارک این حدیث در فصل اول گذشت.

۲- متن و ترجمه و مدارک این حدیث در فصل اول گذشت.

است، پنج یا هفت یا نه زندگی می‌کند (شک از راوی حدیث است) پرسیدیم: این (عددها) چیست؟ فرمود: سالها است، سپس فرمود: مردی پیش او آمده گوید: ای مهدی به من عطا کن، به من عطا کن، پس مشت مشت - درهم و دینار - به دامن او می‌ریزد به اندازه‌ای که می‌تواند حمل کند. (۱)

۴- باز ابوسعید نقل می‌کند که رسول خدا فرمود: یکون فی امتی المهدی ان قصر فسبع و الأفتسع، فتنعم فیہ امتی لم ینعموا مثلها قط، تؤتی اکلها و لا تدخر منهم شیئا، و المال یومئذ کدوس، فیقوم الرجل فیقول: یا مهدی اعطنی، فیقول: خذ: مهدی در امت من می‌باشد، اگر - مدت حکومت او - کوتاه باشد هفت سال می‌باشد، وگرنه نه سال می‌باشد، امت من در زمان او به قدری متنعم می‌شوند که هرگز نظیر آنها متنعم نشده‌اند، زمین خوردینهای خود را بیرون می‌آورد، چیزی از برکات خود را دریغ ندارد، در آن زمان مال زیاد باشد، مردی آمده و می‌گوید: ای مهدی به من عطا کن، می‌فرماید: بگیر (۲)

---

۱- این حدیث را ترمذی نقل کرده و گفته: حدیث حسن است، البانی نیز آنرا حسن شمرده است.

۲- این حدیث را ابن ماجه و طبرانی نقل کرده‌اند، هیشمی گفته: دجال

## فصل چهارم

### شرافت و بزرگی منزلت مهدی:

۱- ابوسعید خدری می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود:  
يُخْرِجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ، يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَتُخْرِجُ  
الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَيُعْطَى الْمَالُ صَحَاحًا، وَتَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ، وَ  
تَعْظُمُ الْأُمَّةُ وَيَعِيشُ سَبْعًا أَوْ ثَمَانِيًا: فِي آخِرِ أُمَّتٍ مِنْ  
مَهْدِيٍّ خَرُوجٍ مِي كُنْد، خُدا او را با باران رحمت سیراب  
می کند، زمین نباتات خود را بیرون می آورد، مال را بطور  
صَحیح می بخشد<sup>(۱)</sup> گله و چارپایان زیاد می شود، امت  
اسلامی به اوج عظمت می رسد - آن حضرت - هفت یا

---

آن موثقند.

۱- رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمود: وَ يُقْسَمُ الْمَالُ صَحَاحًا، فَقَالَ لَهُ  
رَجُلٌ: مَا صَحَاحًا؟ قَالَ بِالسُّوْيَةِ بَيْنَ النَّاسِ: - مَهْدِيٌّ مَالًا رَا بِطُورِ  
صَحَاحٍ تَقْسِيمٍ مِي كُنْد، مَرْدِي پَر سِيد: صَحَاحٌ چِیْسْت؟ فَرْمُود: بِطُورِ  
مَسَاوِي دَر مِیَان مَرْدَم - اثْبَاتُ الْهَدَاةِ ج ۳/۶۳۸.

هشت سال زندگی می‌کند. (۱)

۲- علی بن ابیطالب رضی الله عنه می‌فرماید: رسول خدا

فرمود: المهدی منّا اهل البيت يصلحه الله فی ليلة: مهدی

از ما خاندان است، خدا او را در یک شب صالح - یا اصلاح -

می‌کند. (۲)

جمله «یصلحه الله» به دو معنی احتمال دارد:

۱- مراد این باشد که خدا او را در یک شب برای خلافت و

امامت صالح و آماده می‌کند (در یک شب به او لیاقت و

استعداد می‌بخشد).

۲- مراد این باشد که خدا در یک شب بعض نواقص و

خطاهای او را اصلاح می‌کند و می‌بخشد، این معنی را

حافظ ابن کثیر بیان نموده آنجا که می‌گوید: معنی

«یصلحه الله» این است که خدا به او می‌بخشد و او را موفق

می‌کند، و رشد و صلاح را به او الهام می‌نماید بعد از آنکه

---

۱- این حدیث را حاکم در «المستدرک ج ۴ نقل نموده و گفته: سندش

صعیح است، و ذهبی با او موافقت نموده است.

۲- این حدیث را احمد در مسند ج ۸۴/۱ و ابن ماجه در سنن، ابونعیم

در حلیة الاولیاء ج ۳، عقیلی در «الضعفاء» و ابن عدی در «الکامل ج

۱۸۵/۷ نقل نموده‌اند.

آن چنان نبود.

قاری در مرقاة المفاتیح گوید: مراد از «یصلحه الله» این است که خدا در یک شب یا در یک ساعت کار او را اصلاح می‌کند، و قدر و منزلت او را بالا می‌برد، بطوری که برخلافت او اهل حلّ و عقد اتفاق می‌کنند.

## یادآوری:

بعض متجددین به جهت استبعاد معنی این حدیث به آن ایراد نموده، ولی در آن غرابت و جای تعجب نیست چون خدا به هر چیز قادر است و هر چه را اراده کند انجام میدهد.

## فصل پنجم

در بیعت مردم با مهدی علیه السلام:

۱- سعید بن سمعان گوید: شنیدم که ابوهریره به ابوقتاده نقل می‌کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **يُبَايِعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، وَلَنْ يَسْتَحِلَّ هَذَا الْبَيْتَ إِلَّا أَهْلُهُ، وَإِذَا اسْتَحَطُّوهُ فَلَا تَسَلْ عَنْ هَلَكَةِ الْعَرَبِ، ثُمَّ تَظْهَرُ الْحَبَشَةُ فَيَخْرِبُونَهُ خَرَابًا لَا يُغْمَرُ بَعْدَهُ أَبَدًا وَ هُمُ الَّذِينَ يَسْتَخْرِجُونَ كَنْزَهُ: مِثْلَ رُكْنٍ وَ مَقَامٍ بِهٖ مَرْدِيٌّ بِيَعْتِ مِي شُود، اِحترام بيت را حلال نمی‌کند (از بین نمی‌برد) مگر اهل آن، چون آنرا حلال شمردند از هلاکت عرب نپرس (هلاک آنها قطعی است) سپس حبشه (سیاهان) به بیت مسلط شده آنرا خراب می‌کنند که بعد از آن هرگز آباد نشود، و ایشان گنجینهٔ بیت را استخراج می‌کنند. (۱)**

---

۱- این حدیث را احمد در مسند ج ۲، ابن حبان در الاحسان، ابن شیبہ و طیالسی نقل کرده‌اند، و شیخ احمد شاکر و شیخ البانی آنرا تصحیح نموده‌اند.

حافظ ابن حجر گوید: شاید گفته شود که این حدیث با آیه **أُولَئِكَ يُرَوُّوْنَ أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا** منافات دارد، و با این که خدا فیل را از مکه حبس کرد، و به اصحاب فیل امکان نداد که کعبه را خراب کنند در صورتی که کعبه آن موقع قبله نبود، پس چگونه حبشه را بر کعبه مسلط می‌کند تا آنرا خراب کنند در حالی که قبله مسلمین است.

جواب داده می‌شود: که این جریان در آخرالزمان و پیش از قیام الساعه انجام یابد در موقعی که در روی زمین کسی پیدا نشود که خدا بخدا بگوید، چنانچه در صحیح مسلم آمده: قیامت قیام نخواهد کرد تا آنکه کسی خدا خدا نکوید، لذا در خود این روایت آمده «بعد از آن هرگز آباد نشود»

میدانیم که قبلاً در مکه جنگهایی اتفاق افتاده است: در زمان یزید بن معاویه اهل شام در مکه به جنگ پرداختند، از بزرگتر جنگها جنگ قرامطه بود که بعد از سال سیصد هجری به مکه هجوم برده در مطاف اشخاص بی‌شماری کشتند، حجرالاسود را کَنده به شهر خودشان بردند تا پس از مدت طولانی برگردانند، بعد از آن هم دفعاتی مکه مورد تهاجم واقع شده که هیچ یکی از آنها با آیه «حَرَمًا آمِنًا» منافات ندارد، چون همه اینها به دست مسلمانان اتفاق



افتاده است، و رسول خدا در این حدیث فرمود: لَنْ يَسْتَحِلَّ  
هَذَا الْبَيْتَ إِلَّا أَهْلُهُ» پس این جریان مطابق فرمایش آن  
حضرت رخ میدهد، و این از علائم نبوت آن حضرت  
می باشد.

## فصل ششم

در نماز خواندن عیسی علیه السلام پست سر مهدی:

۱- ابوهریره گوید: رسول خدا فرمود: **كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فَيْكُمْ وَ إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ**: چگونه خواهید بود زمانی که پسر مریم در میان شما نازل شود در حالی که امام شما از خود شما است. (۱)

۲- جابر بن عبدالله انصاری گوید: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلِيَّ الْحَقُّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ** - قال: **فَيَنْزِلُ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالَى صَلُّ لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرَمُهُ اللَّهُ تَعَالَى هَذِهِ الْأُمَّةُ: كَرَاهِي مِنْ أُمَّتٍ مِنْ دَرَاهِ حَقٍّ مَيَّ جَنْكُنْدُ وَ تَا رُوزِ قِيَامَتِ غَالِبٍ وَ پَيْرُوزِ مَيَّ بَاشُنْدُ، تَا عَيْسَى بِنِ مَرْيَمَ نَازِلٍ مَيَّ شُودُ، أَمِيرِ أَنَّهُا (مَسْلَمَانَان) مَيَّ گُويِد: بِيَا بَه مَا نَمَازِ بَخْوَانِ (أَمَامَتِ كُن) عَيْسَى مَيَّ گُويِد: نَه، شَمَا أَمِيرِ يَكْدِيكِرِ مَيَّ بَاشِيدِ (أَمِيرِ شَمَا**

---

۱- بخاری و مسلم هر دو این حدیث را نقل کرده‌اند.

باید از خود شما باشد) این کرامتی است از خدای متعال به این امت (۱)

۳- باز جابر نقل می‌کند که رسول خدا فرمود: **يَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَقُولُ امِيرُهُم المَهْدِي: تَعَالِ صَلِّ بِنَا فَيَقُولُ: لَا، اِنَّ بَعْضَكُمْ امِيرٌ بَعْضُ تَكْرَمَةِ اللّٰهِ لِهَذِهِ الْاُمَّةِ:** عیسی بن مریم نازل می‌شود، امیر مسلمانان مهدی می‌گوید: بیا با ما نماز بخوان، می‌گوید: نه، شما امیر یکدیگرید و این کرامتی است از خدای متعال به این امت (۲)

شیخ عبدالمحسن عباد پس از ذکر این حدیث می‌گوید: در این حدیث بیان شده که امیر مسلمانان مهدی است، پس این حدیث و احادیث بسیار دیگر که دلالت دارد بر خروج مهدی در آخرالزمان تفسیر می‌کند حدیثی را که مسلم نقل کرده (حدیث دوم: لا تزال طائفة) و احادیث دیگر را که بخاری و مسلم در این معنی ایراد نموده‌اند.

حافظ ابن حجر گوید: ابوالحسن آبری در کتاب مناقب الشافعی گفته: اخبار متواتر هست به این که مهدی از این امت است و عیسی پشت سر او نماز می‌خواند.

---

۱- مسلم این حدیث را نقل کرده

۲- حارث بن ابی اسامه این حدیث را در مسند خود نقل کرده.

حافظ ابن حجر در فتح الباری گوید: ابن جوزی گوید: اگر عیسی جلو ایستاده و امام می شد در دل شبیه ایجاد می شد، و گفته می شد: آیا او نائب است یا شریعت تازه آورده؟ پس بطور مأموم نماز می خواند تا با غبار شبیه آلوده نشود.

حافظ سیوطی گوید: نماز خواندن عیسی علیه السلام در پشت سر مهدی در عده اخبار صحیحیه ثابت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله خبر داده و او صادق مصدق است.

برزنجی گوید: از جمله علامات که مهدی با آن شناخته می شود این است که او با عیسی بن مریم جمع می شود و عیسی پشت سر او نماز می خواند.

علامه محمد انور کشمیری در «فیض الباری» گوید: راجح این است که مهدی امام و پیش نماز می شود، ابن حجر هیتمی و علامه منادی هم به این قول قائل هستند.

### ردّ شبهه و دفع اشکال:

بعض علماء اخباری را که گوید: چون عیسی علیه السلام نازل شود نماز صبح را پشت سر مهدی می خواند، انکار کرده و در این باره کتابی نوشته، و توجیه او در این انکار این است که مقام پیغمبر بالاتر از این است که پشت سر غیر پیغمبر نماز بخواند. به این شبهه چند جواب داده اند:

اول این که نماز خواندن عیسی پشت سر مهدی با عده

احادیثی ثابت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله خبر داده و او صادق مصدق است از روی هوی و هوس سخن نگوید.

دوم حکمت آنرا قبلاً از ابن جوزی نقل کردیم که عیسی نمی‌خواهد خود را با غبار شبیه‌آلوده کند، چون اگر عیسی امامت کند در دلها ایجاد شبیه می‌شود که آیا او نایب است یا شریعت تازه آورده است.

سوم اینکه شکی در این نیست که عیسی از مهدی کاملتر است چون او پیغمبر خدا است، ولی شرعاً امامت مفضول بر فاضل جائز است. (۱)

---

۱- افضل بودن حضرت عیسی صلی الله علیه و آله از حضرت مهدی صلی الله علیه و آله ثابت و مسلم نیست، بلکه طبق احادیث وارده امامان اهل بیت علیهم السلام از انبیاء بنی اسرائیل که عیسی صلی الله علیه و آله هم از ایشان است - افضلند نماز خواندن حضرت عیسی پشت سر مهدی صلی الله علیه و آله ولو یکبار هم باشد دلیل افضل بودن حضرت مهدی است در صورتی که ثابت نیست بعداً حضرت مهدی پشت سر حضرت عیسی نماز می‌خواند.

مسئله امامت مفضول بر فاضل مطلبی است بی‌اساس که علماء اهل سنت برای توجیه ادعای باطل خود که رسول خدا پشت سر ابوبکر نماز خواند - درست کرده‌اند، گذشته از همه اینها در آخر این حدیث جمله «تکرمة لهذه الامه» دلیل است بر بقاء این فضیلت برای حضرت مهدی

بعض علماء جزم و یقین نموده‌اند به این که اولین بار عیسی (ع) به حضرت مهدی اقتداء کند تا ظاهر سازد که او بعنوان تابع پیغمبر و حاکم به شریعت او آمده است ولی بعدها حضرت مهدی به او اقتداء می‌کند بنا بقاعدهٔ اقتداء مفضول بر فاضل تفتازانی و منادی و کشمیری به این قول رفته‌اند.

کشمیر گوید: عیسی علیه السلام در نماز اول امامت نمی‌کند تا خیال شود که ولایت و امامت از امت محمدیه سلب شده ولی در نمازهای بعدی عیسی امامت می‌کند چون او افضل از مهدی است.

### سخنان اهل علم در اثبات حقیقت مهدی علیه السلام:

حافظ ابوجعفر عقیلی متوفای سال ۲۲۳ هـ ق در کتاب «الضعفاء» در ترجمهٔ علی بن نفیل نهدی گوید: در بارهٔ مهدی احادیث خوب وارد شده است.

و در ترجمهٔ زیاد بن بیان رقی گوید: در بارهٔ مهدی احادیث صحیح‌السند وارد شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: مردی از نسل من - یا از اهل بیت من - خروج

---

علیه السلام، و این کرامت از آن این امت است که امام سایر امتها است.

می‌کند نام او مطابق نام من است.

ابومحمد حسن بن علی بن خلف بر بهاری شیخ  
حنابله متوفای سال ۳۲۹ هـ در کتاب «شرح السنّة» گوید:  
واجب است ایمان به نزول عیسی بن مریم علیه السلام که دجال را  
می‌کشد، و ازدواج می‌کند، و پشت سر قائم آل محمد صلی الله علیه و آله  
نماز می‌خواند.

ابوالحسین احمد بن جعفر بن منادی متوفای سال ۳۳۶ هـ  
در جزوه‌ای که در باره مهدی نوشته درباره حدیث «یکون  
اثنا عشر خلیفه<sup>(۱)</sup>» گوید: احتمال دارد این دوازده خلیفه  
پس از حضرت مهدی باشد که در آخرالزمان خروج  
می‌کند.

امام ابوحاتم بن حبان بستی متوفای سال ۳۵۴ هـ در  
صحیح خود بابهای متعدد منعقد نموده و با احادیث متعدد  
استدلال نموده است، از جمله آن بابها است:  
بیان این که خروج مهدی بعد از ظهور جور و ستم در  
دنیا و غلبه آن بر حق، می‌باشد.

در ذکر نام مهدی و نام پدرش بر ضد کسی که خیال  
می‌کند مهدی همان عیسی بن مریم است.

---

۱- در این امت دوازده خلیفه می‌باشد.

در ذکر اخبار راجع به صفت مدتی که مهدی در  
آخرالزمان می باشد.

در ذکر محلی که در آن به مهدی بیعت می شود.  
در ذکر خبری که تصریح می کند به این که قومی که  
زمین آنها را خسف می کند (به کام خود فرو برد) کسانی  
می باشند که قصد می کنند کار مهدی را از بین برند.

ابو سلیمان خطابی متوفای سال ۳۸۸ هـ درباره حدیث  
انس بن مالک: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَقَارَبَ الزَّمَانُ، وَ  
تَكُونَ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ، وَ الشَّهْرُ كَالْجُمُعَةِ<sup>(۱)</sup> گوید: اینها در  
زمان مهدی علیه السلام، یا در زمان عیسی علیه السلام، یا در زمان هر دو  
می باشد.

امام بیهقی متوفای سال ۴۵۸ هـ گوید: احادیثی که  
تصریح به خروج مهدی دارد از لحاظ سند صحیحتر است،  
و در آنها بیان شده که وی از عترت رسول الله صلی الله علیه و آله  
می باشد.

قاضی عیاض متوفای سال ۵۴۴ هـ در کتاب «الشفاء» در  
باب چهارم، فصل ۲۳ می گوید: از جمله اموری که در آینده

---

۱- قیامت بر پا نمی شود تا آنکه زمان نزدیک شود و سال مانند ماه، و  
ماه مانند هفته شود.



واقع می‌شود، و پیغمبر صادق از آن خبر داده خروج مهدی می‌باشد.

امام سُهیلی در باب اسلام خدیجه رضی الله عنها در مقام بیان فضائل حضرت فاطمه رضی الله عنها گوید: و یکی از عظمت و بزرگواری آن بانوی معظمه این است که حضرت مهدی که مژده خروج او در آخرالزمان داده شده از ذریه او است، احادیث وارد در باره مادر او زیاد است، آنها را ابوبکر بن ابی حیثمه جمع نموده است.

ابوالسعادات ابن اثیر جزری در کتاب «النهایه» گوید: مهدی: کسی که خدا او را بسوی حق هدایت کرده است کلمه مهدی بقدری استعمال شده که از اسماء غالبه (عَلَم به غلبه) گشته است، آن بزرگوار که رسول خدا ﷺ مژده داده که در آخرالزمان می‌آید مهدی نامیده شده است» ابن اثیر در کتاب جامع الاصول فصلی منعقد نموده در باره مسیح و مهدی علیه السلام، و مقداری از اخبار مهدی را نقل نموده است.

محمد بن احمد بن ابی بکر قرطبی مفسر شهیر متوفای سال ۶۷۱ هـ در کتاب «التذکره فی احوال الموتی و امور الآخرة» موقع نقد حدیث «لا مهدی الا عیسی ابن مریم» گوید: این حدیث منقطع است، و احادیثی که تصریح دارد بر خروج مهدی از عترت رسول اکرم و از اولاد فاطمه علیها السلام ثابت و از این

حدیث صحیحتر است، پس حکومت با آنها است نه با این حدیث.

شیخ الاسلام ابن تیمیه در کتاب «منهاج السنة النبویة» گوید: احادیثی که بوسیله آنها بر خروج مهدی احتجاج می‌شود احادیث صحیح است، ابوداود، ترمذی و احمد و دیگران آنها را از ابن مسعود و دیگران روایت کرده‌اند، سپس شیخ الاسلام روایات ابن مسعود، ام سلمه، ابوسعید و علی رضی الله عنهم را تماماً نقل نموده است.

سپس گوید: طایفه‌ای از راه غلط و اشتباه این اخبار را انکار نموده و با حدیث ابن ماجه دلیل آورده‌اند که رسول اکرم فرموده: لا مهدي إلا عيسى ابن مريم» در صورتی که این حدیث ضعیف است، ابو محمد ابن الولید و دیگران به این حدیث اعتماد کرده‌اند ولی اعتماد کردن نیست، ابن ماجه این حدیث را از شافعی و او از مردی از اهل یمن بنام محمد ابن خالد جندی نقل کرده و جندی کسی نیست که به سخن او اعتماد شود، و این حدیث در مسند شافعی نیست. شیخ فقیه ابن حجر مکی گوید: متعین است اعتماد نمودن به آنچه اخبار صحیحه به آن دلالت دارد از قبیل وجود مهدی منتظر که دجال و عیسی در زمان او خارج می‌شوند، و عیسی پشت سر او نماز می‌خواند، و هر جا که

مهدی گفته شود مراد آن بزرگوار است.

ابن قیم جوزی در کتاب «المنار» بعد از ذکر احادیث وارد در شأن حضرت مهدی علیه السلام گوید: این احادیث چهار قسمت است: صحیح، حسن، غریب و موضوع (مجعول) و در کتاب «اغاثة اللفان» گوید: مسلمانان منتظرند که مسیح عیسی بن مریم علیه السلام نازل شده صلیبها را بشکند، و خوکها را بکشد، و دشمنان خود را از یهود و عبادت کنندگانش را از نصاری از بین ببرد، و منتظر مهدی اهل بیت هستند که زمین را پر از عدل کند همچنانکه پر از جور شده باشد.

شیخ علی بن سلطان محمد قاری در رساله خود که در باره حضرت مهدی نوشته گوید: احادیث زیاد و روایات مشهور از رسول اکرم علیه الصلوات و السلام در بلندی مقام و جلالت مرام مهدی علیه السلام ثابت شده است.

و در شرح الفقه الاکبر گوید: ترتیب قضیه این است که مهدی علیه السلام اول در سرزمین حرمین (مکه - مدینه) ظهور می کند، سپس به بیت المقدس می رود، در آنجا دجال آمده او را در محاصره قرار میدهد، در این موقع عیسی علیه السلام بر مناره شرقی دمشق نازل شده به جنگ دجال رفته و او را با یک ضربه می کشد.

شیخ محمد برزنجی متوفای ۱۱۰۲ هـ ق در کتاب

الإشاعة باب سوم گوید: علائم نزدیکی که پشت سر آنها قیامت میآید زیاد است، از جمله آنها بلکه اولین آنها مهدی است که اخبار وارد درباره او به حصر نمی آید، سپس می گوید:

دانستی که احادیث وارد درباره وجود مهدی، و خروج او در آخرالزمان، و این که او از عترت رسول خدا و از فرزندان فاطمه علیها السلام است، به حدّ تواتر معنوی رسیده است، پس انکار آنها بی معنی است.

صبان در نورالابصار گوید: در صواعق گفته است: اخبار وارده از رسول اکرم درباره خروج مهدی و این که او از اهل بیت پیغمبر است به حدّ تواتر رسیده است.

علامه شوکانی در کتاب «الفتح الباری» گوید: آنچه از اخبار درباره مهدی منتظر وارد شده پنجاه حدیث و بیست و هشت اثر (سخن بزرگان) است، سپس آنها را نقل و شرح کرده بعد گفته: تمامی آنچه تا این جا نقل کردیم به حدّ تواتر رسیده چنانکه برای اشخاصی که صاحب فضل و اطلاع هستند مخفی نمی باشد.

علامه ابوالطیب شمس الحق عظیم آبادی گوید: در گذر عصرها بین تمام اهل اسلام مشهور این است که باید در آخرالزمان مردی از اهل بیت ظهور کند که دین را یاری و

عدل را ظاهر نماید، مسلمانان از او پیروی می‌کنند، بر  
ممالک اسلامی مستولی می‌شود، و مهدی نامیده می‌شود،  
خروج دجال و سایر اشراف الساعه بعد از او می‌باشد،  
عیسی بعد از او نازل شده دجال را می‌کشد، و یا همزمان با  
او نازل شده او را یاری می‌کند، و در نماز به او اقتدا می‌کند.  
شیخ محمد حبیب الله شنقیطی گوید: احادیث نزول  
عیسی ابن مریم علیه السلام متواتر است، بلکه احادیث مهدی نیز  
متواتر است، چنانکه استاد ما شیخ عبدالقادر بن محمد  
سالم شنقیطی به آن تصریح کرده است.

علامه عبدالعزیز بن باز گوید: اما انکار مهدی منتظر  
بطور کلی چنانچه بعض متاخرین کرده‌اند، قوی است  
باطل و عقیده‌ای است بی‌اساس، زیرا احادیث خروج او در  
آخرالزمان و اینکه او زمین را پر از عدل و داد می‌کند  
همچنانکه پر از ظلم شده باشد، این اخبار متواتری معنوی  
و بسیار زیاد است و جماعتی از علماء به آن تصریح  
کرده‌اند، ولی به هر کسی که ادعای مهدویت نمود نمی‌توان  
اعتماد کرد مگر اینکه اکثر علامات که رسول اکرم درباره  
مهدی گفته در او پیدا شود، از بزرگترین و روشنترین آنها  
پر نمودن زمین است از عدل و داد.

شیخ حسنین محمد مخلوف مفتی سابق دیار مصر و

عضو جماعت کبار العلماء در ازهر گوید: مسلمین را نصیحت می‌کنیم به این که احادیث صحیح را با قلب مطمئن قبول کنند، و به ظهور مهدی در آخرالزمان ایمان صحیح داشته باشند، و سخنانی را که این احادیث را خراب می‌کند کنار بگذارند، چون آن سخنان از کسانی صادر شده که علم به حدیث ندارند.

شیخ سید سابق گوید: خلاصه مطلب و سخن در امام مهدی این است که او در آخرالزمان ظاهر می‌شود، از اهل بیت رسول و از اولاد فاطمه علیها السلام است، شبیه رسول خدا است در اخلاق، گشاده پیشانی، کشیده بینی می‌باشد، زمین را پر از عدل و داد کند همچنانکه پر از ظلم و جور باشد، شریعت اسلام را بر پا میدارد، کهنه شده سنت رسول اکرم را زنده می‌کند، کلمه اسلام در زمان او بلند می‌شود و در روی زمین برقرار می‌گردد، از کثرت عدالت و بخشش او کشایش و فراوانی رونق یابد، هفت سال در جهان مکه و اقامت می‌کند، بعد از دجال می‌آید، عیسی علیه السلام نازل شده در کشتن دجال او را یاری می‌کند، سپس مهدی وفات می‌کند و مسلمانان به او نماز می‌خوانند.

## شبهاتی درباره مهدی و جوابهای آنها

شبهه اول: بعضی در تکذیب احادیث صحیحه وارد درباره مهدی علیه السلام به حدیث ابن ماجه تمسک نموده‌اند که ابن ماجه و حاکم از انس بن مالک نقل نموده‌اند: ... و لا مهدی الا عیسی ابن مریم: مهدی ای غیر از عیسی ابن مریم نیست. جواب این است که این حدیث را در میان صاحبان صحاح سته فقط ابن ماجه نقل نموده است، حاکم هم آنرا نقل نموده ولی بعد از آن گفته: آنرا از باب تعجب نقل کردم نه بعنوان حجت و مدرکیت.

ذهبی در میزان الاعتدال گوید: حدیث منکر است، بی‌هیچ آنرا ضعیف شمرده، هیثمی معلول دانسته، صنعانی گفته: موضوع است، همچنین آبری، قرطبی، ابن تیمیه و ابن قیم جوزی و دیگران آنرا ضعیف دانسته‌اند، راوی آن محمد بن خالد جندی است که آبری گوید: وی نزد اهل علم و نقل غیر معروف است، ابو عبدالله حاکم گوید: مجهول است، ابان بن ابی عیاش گوید: متروک است، و حدیث منقطع است.

امام محقق ابن قیم جوزی گوید: اما حدیث: لا مهدی الا

عیسی بن مریم، آنرا ابن ماجه در سُنُن خود از یونس بن عبدالاعلی از شافعی از محمد بن خالد جندی از ابان بن صالح از حسن از انس بن مالک از رسول خدا ﷺ نقل نموده است، این حدیث از متفردات محمد بن خالد است (تنها او نقل نموده است).

ابوالحسن محمد بن حسین آپری در کتاب «مناقب الشافعی» گوید: این محمد بن خالد نزد اهل علم و نقل غیر معروف است، اخبار متواتر از رسول خدا رسیده است درباره مهدی، و این که او در اهل بیت رسول است، و او هفت سال حکومت می‌کند، و زمین را پر از عدل می‌کند، و عیسی خروج نموده و او را در قتل دجال یاری می‌کند، و او امامت این امت را بعهدہ می‌گیرد، و عیسی پشت سر او نماز می‌خواند.

سیوطی در «العَرْفُ الْوَرْدِي» گوید: ابن ماجه از انس نقل نموده که رسول خدا ﷺ فرمود: لَا يَزِدَادُ الْأَمْرَ إِلَّا شِدَّةً، وَلَا الدُّنْيَا إِلَّا إِذْبَارًا، وَلَا النَّاسُ إِلَّا شَحًّا، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا عَلَى شِرَارِ النَّاسِ وَلَا مَهْدِيٌّ إِلَّا عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ: کار مردم روز بروز شدت یابد، و دنیا به مردم پشت می‌کند، و مردم گرفتار بخل شدید می‌شوند، قیامت قیام نمی‌کند مگر بر شرار مردم، مهدی ای نیست جز عیسی بن مریم.



قُرطبی در کتاب «التذکره» گوید: سند این حدیث ضعیف است، احادیثی که از رسول اکرم وارد شده و دلالت می‌کند به خروج مهدی و این که او از عترت پیغمبر و از اولاد فاطمه است ثابت و صحیح‌تر از این حدیث است، پس حکومت با آنها است نه با این حدیث.

شبهه دوم: گویند: مهدی فقط در مدت هفت سال چگونه می‌تواند زمین را پر از عدل کند بعد از آنکه پر از جور شده باشد، در صورتی که رسول خدا ﷺ مدت ۲۳ سال توقف نمود و جهاد کرد، و بسوی خدا دعوت نمود، ولی تمامی زمین را پر از عدل نکرد؟

جواب: اولاً این که رسول خدا که از هوای نفس سخن نمی‌گوید به این جریان خیر داده پس تصدیق او واجب است و مسلمان نباید چرا و چگونه بگوید، و نباید در دل خود احساس ناراحتی و ناباوری کند، خدای متعال می‌فرماید: **فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا فِي شَجَرِ بَيْنِهِمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيَسْلَمُوا تَسْلِيمًا** (۱)

---

۱- پس نه چنین است، به پروردگارت سوگند مؤمن - محسوب - نمی‌شوند مگر این که در اختلافات ما بین خود ترا حکم قرار دهند، سپس در دل خود از قضاوت تو احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

ثانیاً: چون خدای متعال کاری را اراده نماید اسباب آنرا مهیا می‌سازد، و راه وصول به آنرا آسان می‌کند، پیغمبر صادق به وقوع آن خبر داده پس حتماً واقع می‌شود، وقوع آنرا بعید نمی‌شمارد مگر کسی که در عموم قدرت خدا و نفوذ مشیت او شک کند، یا در راستگویی پیغمبر شک داشته باشد.

ثالثاً: بزودی خدا مهدی را برای تجدید دین مهیا و آماده می‌کند و در یک شب کار او را اصلاح می‌کند، پس او را با کرامت خارق‌العاده تأیید می‌نماید، و آن کرامت این است که سپاهی را که قصد هلاکت او می‌کند بر زمین فرو می‌برد و هلاک می‌کند، شاید این یکی از اسباب تمکین یافتن او در روی زمین است، تا مردم پس از آن یقین کنند که او همان مهدی است که رسول خدا خبر او را داده است.

رابعاً: اینکه هر چه از میوه‌های دعوت انبیاء و آثار آن در جهان ظاهر شود از علائم نبوت ایشان است و هر چه از آثار نبوت رسول اکرم از عدالت و رحمت و خیر در روی زمین ظاهر شود از علائم نبوت آن حضرت است، و هر خیری که به برکت اسلام به مردم برسد سبب اول آن از

رسول اکرم است، حتی اگر این خیر بعد از وفات رسول خدا بوسیله جانشینان او به مردم رسیده و یا به وسیله مهدی برسد از آثار نبوت رسول اکرم و از ثمرات بعثت مبارک آن حضرت است.

از این مطلب ظاهر می شود جواب کسی که از روی غفلت و جهالت می گوید: اگر بگوئیم مهدی در مدت هفت سال زمین را پر از عدل می کند لازم می آید که مهدی را برتر از رسول خدا بدانیم، لذا احادیث مهدی را ردّ نموده است.

جوابش این است که نام مهدی موافق نام پیغمبر است، رسم و رفتار او موافق رسم و رفتار پیغمبر است، چون محمد مهدی است و با راه و روش پیغمبر مردم را هدایت می کند.

شبهه سوم: در اثر متواتر و صحیح بودن احادیث مهدی جمعی از منکران نتوانسته اند آنها را از لحاظ سند ردّ کنند راه باطل گزیده و دست به تأویل زده گفته اند: بلی احادیث مهدی در اثبات مهدی صحیح و قوی است ولی ما آنها را تأویل می کنیم به این که مهدی در این روایات رمزیت برای خیر و هدایت و صلاح نه شخص بالخصوص (خروج مهدی یعنی ظهور خیر و هدایت و صلاح در روی زمین).

جواب این است که قائلین به این عقیده فاسد در واقع

تکذیب مهدی و ردّ احادیث می‌کنند، ضرر و فساد این تأویل  
این است که مدعیان مهدویت زیاد می‌شوند: هر کس در  
خود احساس خیر و هدایت و صلاح کند، و یا مردم در او  
احساس کنند مدعی مهدویت می‌شود.

احادیث مهدی حقیقی با اینکه محور آنها شخص معین  
و دارای صفات مشخص است تا حال مورد بهره‌برداری  
بدو شوء استفاده قرار گرفته است، پس چگونه خواهد بود  
اگر به آنها عمومیت داده به مهدی خیر و هدایت و صلاح  
تأویل کنیم؟!

## مهدی منتظر در عقیده شیعه:

شیعه امامیه اثنا عشریه عقیده دارد که مهدی منتظر همان محمد بن حسن عسکری امام دوازدهم ایشان است، می‌گویند: این مهدی به سال ۲۵۶ هـ متولد شده و از پنج سالگی در سرداب سامراء پنهان شده، از آنروز تا حال انتظار او را می‌کشند.

ابن قیم جوزی درباره این غائب از چشمها و حاضر در شهرها گوید: در طفولیت داخل سرداب شده پس از آن چشمی او را ندیده، خبر و اثری از او احساس نشده، شیعیانش انتظار او را می‌کشند، هر روز آماده و سوار اسب بر در سرداب ایستاده او را صدا می‌زنند: خارج شو ای مولای ما، خارج شو ای مولای ما، سپس با یأس و حرمان برمی‌گردند، این است عادت ایشان و عادت او، اینها ننگ بنی آدم و مسخره هر عاقل شده‌اند. (۱)

---

۱- سرداب سامراء در نظر شیعه بدین جهت مقدس و محترم است که محل تهجد و عبادت امام دهم حضرت هادی و امام یازدهم حضرت

عجب در این است که ایشان (شیعه) درباره و شأن این مهدی خیالی اختلاف شدید دارند، از طرفی در کتابهای خود می نویسند: او امام دوازدهم است، و از طرف دیگر می نویسند: او شخص خیالی است، وجود خارجی ندارد و متولد نشده است. (۱)

---

عسکری علیه السلام است، شیعیان به جهت تبرک در آنجا نماز می خوانند و دعا می کنند، و هیچ کس از علماء و عوام شیعه عقیده ندارند که حضرت مهدی علیه السلام در آنجا غائب شده است، شیعه می گوید: پس از درگذشت امام حسن عسکری علیه السلام خانه و کاشانه او مورد تهاجم واقع شد، دشمنان می خواستند یگانه فرزند او: امام مهدی را نابود کنند لذا آن حضرت بطور ناشناس از آنجا رفته خود را میان مردم پنهان و ناشناس نمود.

و این که «شیعیان هر صبح سوار اسب کنار سرداب ایستاده آن حضرت را صدا می زنند سپس نوید برمی گردند» ادعا و تهمتی است واضح تا حال کسی از اولاد بنی آدم حتی از اجنه ندیده اند کسی از شیعیان سوار اسب کنار سرداب به انتظار خروج امام بایستد، باید به امانت و تاریخ نویسی ابن قیم و ابن خلدون که این تهمت بی اساس را ساخته اند، و به عقل کسانی که از آنها پیروی می کنند عقلاء و مورخان درستکار بخندند که اینها تنگ تاریخ و تاریخ نویسان هستند.

۱- به عقیده شیعه حضرت مهدی علیه السلام شخصی است حقیقی و واقعی و

محمدرضا مظفر زیر عنوان «عقیدتنا فی المهدی»

می نویسد:

ما معتقدیم که این مهدی مصلح شخص معین و معروف است، بسال ۲۵۶ هـ متولد شده و تا حال زنده است، او فرزند حسن عسکری علیه السلام است، نامش «محمد» است، ولادت و غیبت او با اخبار متواتر از رسول خدا و اهل بیت بما رسیده است، هیچ عصر و زمانی خالی از امام نمی ماند گرچه شاید امام مخفی باشد و خدا او را در روز موعود ظاهر سازد، و این از اسرار الهی است که کسی جز خدا نمی داند، زنده ماندن او در این مدت طولانی یکی از معجزات است که خدا در وجود او مقرر نموده است، رسیدن او به منصب امامت در سن پنج سالگی روزی که پدرش به عالم بالا رفت، بزرگتر از معجزه حضرت عیسی نیست که در گهواره با مردم صحبت می کرد، و برای مردم به نبوت مبعوث شد. (۱)

---

از مادر متولد شده و در این دنیا و میان مردم موجود است، هیچ فرد شیعی حضرت مهدی را خیالی و غیر موجود نمی پندارد، سبحانک هذا بهتان عظیم.

۱- عقائد الامامیه مظفر ص ۱۰۰ - ۱۰۱

شیعه معتقد است که غیبت مهدی به دو مرحله قسمت می‌شود: مرحله‌ای به غیبت صغری و مرحله دوم به غیبت کبری نامیده می‌شود، در غیبت صغری از راه نواب چهارگانه به رهبری شیعیانش قیام می‌نمود: سخنان شیعه را به او، و سخنان او را به شیعه می‌رسانیدند، مدت این مرحله هفتاد سال بود.

محمد باقر صدر در کتاب «بعث حول المهدی» گوید:

غیبت صغری تعبیر است از مرحله اول امامت قائد منتظر علیه الصلوة والسلام، از روزی که این امام حامل منصب امامت شد چنین مقدر بود که از منظر عمومی پنهان، و از حوادث اجتماع با اسم و رسم دور باشد گر چه با قلب و عقلش از آنها دور نباشد، ولی اگر امام به یکبار غائب و دست شیعیان از او قطع می‌شد احساس دست خالی بودن نموده باد نومیدی برکیان آنها وزیده جمعیت آنها متفرق می‌شد، لذا برای این غیبت تمهید و آمادگی لازم بود تا به تدریج بر آن آماده شده و خو بگیرند، این تمهید و آمادگی همان غیبت صغری است که خود امام از منظر شیعیان پنهان بوده ولی به وسیله وکلاء و نوابش با آنها در ارتباط و اتصال باشد.

مرکز و عهده‌دار این ارتباط و اتصال در این مدت چهار



نفر بودند که ورع و تقوی و پاکی آنها مورد اتفاق و اجماع بود، و آنها عبارتند از: عثمان بن سعید عُمَری، محمد بن عثمان بن سعید عُمَری، ابوالقاسم حسین بن رُوح نوبختی، و ابوالحسن علی بن محمد سمَری این چهار نفر با ترتیبی که ذکر شد متصدی نیابت شدند، هر یکی که از دنیا می‌رفت دیگری با تعیین امام جای او را می‌گرفت.

نواب امام با شیعیان اتصال یافته سؤالهای آنها را پیش او برده، مشکلات آنها را عرضه می‌داشتند، جوابها را گاهی بطور شفاهی و گاهی بطور کتبی به آنها می‌رسانیدند، شیعه با این نحو ارتباط خود گرفته و از فقدان امام خود تسلی یافتند، این وضع حدود هفتاد سال ادامه یافت، تا آنکه جناب سمَری آخرین نائب انتهای مرحله غیبت صفَری را اعلان نمود، و با شروع مرحله غیبت کبری نیابت اشخاص معین با اسم و رسم پایان یافت»<sup>(۱)</sup>

برادر محترم اینها عین عبارت علماء شیعه بود که نقل کردم و بر آن چیزی نمی‌نویسم و به آن چیزی نمی‌افزایم غیر از اعاده کلام ابن قیم جوزی: اینها ننگ اولاد آدم و مضحکه و مسخره هر عاقل شده‌اند.

---

۱- بحث حول المهدي محمد باقر صدر ص ۶۷

خواننده محترم تا اینجا دانستی که خروج حضرت مهدی علیه السلام در میان امت اسلامی متفق علیه و روایاتش متواتر است، شیعه و سنی به آن قائلند، فقط فرق میان شیعه و سنی در این است که اهل سنت اصل آنرا قبول دارند ولی شخص آنرا معین نمی‌کنند، شیعه او را با تمام مشخصات معین می‌کند و می‌گوید:

نام او محمد، پدرش حسن عسکری علیه السلام، مادرش نرجس خاتون است، به روز نیمه شعبان سال ۲۵۶ و یا ۲۵۵ هـ ق متولد شده، پس از شهادت پدرش بدست دستگاه خلافت در اثر هجوم عوامل خلافت که می‌خواستند او را بکشند از دسترس عموم مخفی شده یعنی خود را به کسی معرفی نکرده و بطور ناشناس در بین مردم زندگی می‌کند، تا روزی زمینه مساعد شود، و خدای متعال اجازه دهد که خود را ظاهر سازد.

حالا برادر محترم کجای اینها خلاف عقل و ننگ‌آور و باعث تمسخر است که این نویسنده محترم ادعا می‌کند؟!!

در این جا چند نفر نویسنده بی تقوی و غرض ورز از  
اهل سنت پیدا شده که از روی تعصب و عناد همراه با  
جهالت و بی اطلاعی از خود مطالبی بی اساس و بی مدرک  
ساخته و به شیعه نسبت داده اند که ساحت شیعه از آنها  
مبّرّی است.

از درگاه خداوند متعال می خواهیم که قلبهای همه ما را  
بسوی حق هدایت کند، و از تعصب و غرض ورزی و بهتان  
و افترا بدور بدارد.

در این جا جهت تبرک و برای مزید استفاده و روشنتر شدن مطلب چهل حدیث شریف نقل و ایراد می شود:

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: **صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ تَغِيْبُ وِلَادَتُهُ عَنِ هَذَا الْخَلْقِ لَيْلًا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ، وَ يُصْلِحُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ:** صاحب این امر ولادتش از این مردم مخفی می ماند، تا در زمان ظهورش بیعت کسی در ذمه و گردن او نباشد، خدای عز و جل کار او را در یک شب اصلاح و روبراه کند. (۱)

۲- موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید: **صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَقُولُ النَّاسُ: إِنَّهُ لَمْ يُولَدْ بَعْدُ:** صاحب این امر کسی است که مردم درباره او گویند: هنوز زاده نشده است. (۲)

چنانچه اهل سنت و جماعت گویند: ظهور مهدی و اصلاح او روی زمین را حق و ثابت است، ولی فعلاً زاده نشده، هر زمان که وقتش نزدیک شد متولد می شود.

---

۱- اثبات الهداة ج ۳/ ۴۸۶ - ۲- همان: ۴۷۶

۳- رسول خدا ﷺ فرمود: **أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى إختِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْماً، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ:** شما را با مهدی مژده میدهم که با وجود اختلاف و اضطراب مردم در میان امت من مبعوث می شود، ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود می شوند (۱)

۴- حسین بن علی علیه السلام فرمود: **قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ، وَ هُوَ الَّذِي يُقَسِّمُ مِيرَاثَهُ وَ هُوَ حَيٌّ:** قائم این امت نهمین فرزند من است، و او صاحب غیبت است، و میراث او را قسمت می کنند در حالی که خودش زنده است. (۲)

۵- امام باقر علیه السلام فرمود: **الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ، وَ هُوَ رَجُلٌ أَدَمٌ:** مهدی مردی است از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام و مردی است گندمگون (۳)

۶- امام باقر علیه السلام می فرماید: **كَأَنِّي بِالقَائِمِ علیه السلام يَوْمَ عَاشُورَاءِ، يَوْمَ السَّبْتِ قَائِمٌ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، وَ جَبْرَائِيلُ يُنَادِي: الْبَيْعَةُ لِلَّهِ، فَيَمَلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْماً وَ جَوْرًا:**

۲- کمال الدین: ۳۱۷

۱- اثبات الهداة ج ۳/۲-۵

۳- اثبات الهداة ج ۳/۴-۵

گویا قائم علیه السلام را می بینم در روز عاشورا، که روز شنبه است میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل نداء می کند: بیائید برای خدا بیعت کنید، پس آن حضرت زمین را پر از عدل می کند همچنانکه پر از جور و ستم شده باشد. (۱)

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **تُمْلَأُ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِزَّتِي يَمْلِكُ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا:** زمین پر از جور و ستم می شود، بعد آن مردی از خاندان من خروج می کند، هفت یا نه سال مالک می شود، پس زمین را پر از عدل و داد می کند. (۲)

۸- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: **أَضْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كَهْوَلَ فِيهِمْ إِلَّا كَمِثْلِ الْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ، وَالْمِلْحُ فِي الزَّادِ، وَ أَقَلُّ الزَّادِ الْمِلْحُ:** یاران مهدی جوان می باشند، در میان آنها پیر نباشد مگر بمانند سرمه در چشم و نمک در غذا و میدانیم که کمترین جزو غذا نمک است. (۳)

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: **إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ، لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً:** چون قائم آل محمد قیام کند با حکم داود و سلیمان حکم می کند و از

۲- مسند احمد ج ۳/۲۸

۱- همان: ۵۱۴

۳- اثبات الهداة ج ۳/۵۱۸

در مقام شهادت و شهادت (۱)

۱۰. امام باقر علیه السلام فرمود: این که در میان شماست که در روز قیامت  
بگوید: یا رسول الله! یا رسول الله! و در میان شماست که در روز قیامت  
بگوید: یا رسول الله! یا رسول الله! و در میان شماست که در روز قیامت  
بگوید: یا رسول الله! یا رسول الله! و در میان شماست که در روز قیامت  
بگوید: یا رسول الله! یا رسول الله!

باید که در روز قیامت شهادت کند (۱)

۱۱. امام باقر علیه السلام فرمود: این که در میان شماست که در روز قیامت  
بگوید: یا رسول الله! یا رسول الله! و در میان شماست که در روز قیامت  
بگوید: یا رسول الله! یا رسول الله! و در میان شماست که در روز قیامت  
بگوید: یا رسول الله! یا رسول الله! و در میان شماست که در روز قیامت  
بگوید: یا رسول الله! یا رسول الله!

باید که در روز قیامت شهادت کند (۱)

۱۲. امام باقر علیه السلام فرمود: این که در میان شماست که در روز قیامت  
بگوید: یا رسول الله! یا رسول الله! و در میان شماست که در روز قیامت  
بگوید: یا رسول الله! یا رسول الله! و در میان شماست که در روز قیامت  
بگوید: یا رسول الله! یا رسول الله!

۱۳. امام باقر علیه السلام

۱۴. امام باقر علیه السلام

۱۵. امام باقر علیه السلام

... انما ...  
... (1)

...  
...  
...  
...  
...  
...  
...  
...  
...  
...  
...  
... (1)

...  
...  
...  
... (1)

...  
...  
...

... ۲۷/۳ ...

... ۲۷/۳ ...

... ۲۷/۳ ...



کند با عدالت حکم می‌کند، جور در امام او برطرف  
شود راهها امن گردد، زمین برکات خود را خارج می‌کند، و  
هر حق را به صاحبش برمیگرداند. (۱)

۱۶- رسول خدا ﷺ فرمود: **الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي، مِنْ وُلْدِ  
فَاطِمَةَ: مَهْدِيٌّ** از خاندان من از فرزندان فاطمه است. (۲)

۱۷- ابوسعید خدری گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: **وَ  
الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ اِنْ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْاُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ  
عِيسَى مِثًا، ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ مِنْكَبَ الْحُسَيْنِ وَ قَالَ: مِنْ هَذَا،  
مِنْ هَذَا: سَوْكَنْدَ بِهٖ اَنكَهٖ جَانِمَ دَرِ دَسْتِ اَوِ اسْتِ مَهْدِيٍّ اَيْنِ  
اَمْتِ كِهٖ عِيسَى پَشْتِ سِرِ اَوِ نَمَازِ مِي خَوَانْدَ اَزِ مَا اسْتِ، سِپَسِ  
دَسْتِ بِهٖ شَانَةُ اِمَامِ حُسَيْنِ زِدِ وَ فَرَمُودَ: اَزِ اَيْنِ اسْتِ، اَزِ اَيْنِ  
اسْتِ. (۳)**

۱۸- امام رضا عليه السلام فرمود: **اِذَا قَامَ الْقَائِمُ اَمْرًا لِلَّهِ  
الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْجُلُوسِ مَعَهُمْ فِي  
مَجَالِسِهِمْ: چُونِ اِمَامِ قَائِمِ قِيَامِ كَنْدِ خُدَا فَرَشْتِكَا نِ رَا اَمْرِ  
مِي كَنْدِ بِهٖ مُؤْمِنَانِ سَلَامِ دَهَنْدِ وَ دَرِ مَجَالِسِ اَنَهَا بِا ايشان  
نَشِينَنْدِ. (۴)**

۲- کنز العمال ج ۱۴/۲۶۴

۱- اثبات الهداة ج ۳/۵۵۶

۴- همان: ۵۷۳

۳- اثبات الهداة ج ۳/۵۶۸

۱۹- جناب عبدالعظیم حسنی گوید: به امام جواد علیه السلام گفتم: یابن رسول الله چرا - امام دوازدهم - قائم نامیده شد: فرمود: لِإِنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ، وَازْتِدَادِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ: چون او زمانی قیام می کند که نامش در جامعه ها مرده باشد، و اکثر قائلان به امامتش مرتد شوند. (۱)

۲۰- امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي: هر کس قائم را که از فرزندان من است انکار کند مرا انکار کرده است. (۲)

۲۱- رسول خدا فرمود: يَلِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيُ إِسْمَهُ إِسْمِي، لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَلِي: مردی از اهل بیت من ولایت و حکومت کند، نام او با نام من مطابق است، اگر از عمر دنیا باقی نماند بغیر از یک روز خدا آنروز را طولانی می کند تا او ولایت و حکومت کند. (۳)

۲۲- باز آن حضرت فرمود: الْمَهْدِيُّ أَجَلِي الْجَبْهَةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَ ظُلْمًا،

۲- همان: ۴۱۲

۱- کمال الدین ۳۷۸

۳- کنز العمال ج ۱۴/۲۶۴

يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ: مهدی گشاده پیشانی، کشیده بینی است، زمین را پر از داد و عدل می‌کند چنانکه پر از جور و ستم بود، هفت سال حکومت می‌کند. (۱)

۲۳- امام صادق علیه السلام فرمود: يَقُومُ الْقَائِمُ عليه السلام وَ لَيْسَ لِأَخِي فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ: قائم عليه السلام قیام می‌کند در حالی که بیعت کسی را در گردن ندارد. (۲)

۲۴- زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: يَا زُرَّارَةُ لَا بُدَّ لِلْقَائِمِ مِنْ غَيْبَةٍ، قُلْتُ: وَ لِمَ؟ قَالَ: يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ، وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ: ای زراره! قائم باید غائب شود، گفتم چرا؟ فرمود: بر خود می‌ترسد، و حضرت با دست خود به شکمش اشاره نمود. (۳)

۲۵- امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ، وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ: مؤمن در زمان قائم عليه السلام در مشرق باشد برادر خود را که در مغرب است می‌بیند و همچنین آنکه در مغرب است برادر خود را که در مشرق است می‌بیند. (۴)

۲- کمال‌الدین ۴۸۰

۱- همان

۴- اثبات الهداة ج ۳/ ۵۸۴

۳- همان: ۴۸۱

۲۶- ابوسعید خُدَری گوید: رسول خدا ﷺ فرمود:  
يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ مِنْ أُمَّتِي، يَتَّبِعُهُ اللَّهُ عِيَانًا لِلنَّاسِ، تَنْعَمُ  
الْأُمَّةُ، وَتَعِيشُ الْمَاشِيَّةُ، وَتَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا يُعْطَى  
الْمَالُ صِحَاحًا؛ مهدی از میان امت من خارج می‌شود، خدا  
او را علنی و جلو چشم مردم مبعوث می‌کند - در زمان او -  
امت متنعم می‌شود، کله حیوانات زیاد می‌شود، زمین  
روئیدنیهای خود را بیرون می‌آورد، او مال را به طور  
مساوی عطا می‌کند. (۱)

۲۷- رسول خدا فرمود: يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَ عَلِيٌّ رَأْسُهُ  
مَلَكٌ يُنَادِي: هَذَا الْمَهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ؛ مهدی خارج می‌شود در  
حالی که بالای سرش ملکی باشد که ندا می‌کند: این مهدی  
است از او پیروی کنید. (۲)

۲۸- امام باقر علیه السلام فرمود: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى  
رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عَقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَضْلَامُهُمْ؛  
چون قائم ما قیام کند دست - رحمت و عنایت - خود را به  
سر بندگان می‌گذارد، در اثر آن عقلهای آنها جمع و افکار و  
اندیشه‌های آنها کامل می‌گردد. (۳)

---

۱- اثبات الهداة ج ۳/ ۵۹۴

۲- همان

۳- کمال‌الدین: ۶۷۵

۲۹- رسول اکرم ﷺ فرمود: لَا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ، وَ لَا يَذْهَبُ الدَّهْرُ حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي إِسْمُهُ يُوَاطِي إِسْمِي: روزها پایان نیابد، روزگار از بین نرود تا آنکه مردی از اهل بیت من مالک عرب شود، نام او مطابق نام من است. (۱)

۳۰- امام حسین علیه السلام فرمود: لَوْ قَدِمَ الْمَهْدِيُّ لَأَنْكَرَهُ النَّاسُ، لِأَنَّهُ يَزِجُّ إِلَيْهِمْ شَابًا وَ هُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا: اگر مهدی بیاید مردم او را انکار می کنند چون او در صورت جوان می آید در حالی که مردم او را خیلی پیر خیال می کنند. (۲)

۳۱- موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا قَالَ: يَا مَعْشَرَ الْفُرْسَانِ سِيرُوا فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ، يَا مَعْشَرَ الرِّجَالِ سِيرُوا عَلَى جَنْبِي الطَّرِيقِ: چون قائم ما قیام کند می گوید: ای گروه سواران از وسط راه حرکت کنید، ای گروه پیاده ها از دو طرف راه حرکت کنید. (۳)

۳۲- عبدالله بن عطا گوید: از امام صادق علیه السلام در باره سیره (روش و رفتار) حضرت مهدی علیه السلام سؤال کردم؟

۲- اثبات الهداة ج ۳/۶۰۸

۱- مسند احمد ج ۱/۳۷۶

۳- اثبات الهداة ج ۳/۴۵۵

فرمود: **يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ هَدَمَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً: آن چنان کند که رسول خدا کرد: کارها و سنتهای پیش از خود را از بین می برد مانند از بین بردن رسول خدا کارهای جاهلیت را، و اسلام را از نو شروع می کند.** (۱)

۳۳- امام صادق عليه السلام فرمود: **الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وَدِيِّ، وَ هُوَ الْمَهْدِيُّ، إِسْمُهُ مُحَمَّدٌ، وَ كُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ: خلف صالح از فرزندان من است، و او است مهدی، نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم است، در آخر الزمان خروج می کند.** (۲)

۳۴- ابوسعید خدری گوید: رسول خدا فرمود: **أُمَّتِي مَهْدِيٌّ بِهْ غَرْدٍ أَوْ جَمْعٍ شَوْنَدِ هَمَّجَانَكِهْ زَنْبُورَانِ عَسَلِ غَرْدِ مَلَكِهْ خُودِ جَمْعٍ شَوْنَدِ، زَمِينِ رَا پَرِازِ عَدَلِ مِي كَنْدِ چنانکه پر از جور شده بود، تا آن که مردم به مانند امر اول (اول اسلام) باشند، هیچ خوابیده ای را - بناحق - بیدار نمی کنند، و خون نمی ریزند.** (۳)

۳۵- رسول خدا ﷺ فرمود: **بَعْدَ از من خلفاء، بعد از**

---

۲- همان: ۶۱۸

۱- همان: ۵۳۹

۳- الحاوی للفتاوی: ۷۷۰

خلفاء امراء، بعد از امراء سلاطین جبار می آیند، بعد از آنها مردی از اهل بیت من خروج کرده زمین را پر از عدل می کند همچنانکه پر از جور شده بود. (۱)

۳۶- رسول اکرم ﷺ فرمود: در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج می کنند، نام او مانند نام من است، کنیه او مانند کنیه من است، زمین را پر از عدل می کند چنانکه پر از جور شده بود، و او مهدی است. (۲)

۳۷- پیغمبر اکرم فرمود: حتماً خدا از عترت من مردی را مبعوث می کند که دندانهایش باز و جدا از هم، گشاده پیشانی است، زمین را پر از عدل می کند، مال در میان مردم فراوان و روان شود. (۳)

۳۸- امام صادق علیه السلام فرمود: این امر محقق نمی شود (حضرت مهدی ظهور نمی کند) مگر پس از آنکه از هر صنفی در جامعه حکومت کند، تا گوینده های نگوید: اگر حکومت بدست ما می رسید عدالت می کردیم، پس از همه آنها قائم علیه السلام باحق و داد قیام می کند. (۴)

---

۱- اسدالغابه ج ۱/۲۵۹ ۲- التذکره: ۲۰۴

۳- البیان فی اخبار آخر الزمان: ۹۶

۴- اثبات الهداة ج ۳/۷۳۸

۳۹- رسول خدا ﷺ فرمود: در آخر الزمان موقع ظهور فتنه‌ها و قطع شدن مردم زمان از یکدیگر امیری خروج می‌کند، اولین عطای او به مردم این باشد که مردی پیش او آمده - از او یاری می‌خواهد - مشیت مشیت به دامن او - درهم و دنیار - می‌ریزد، برایش مهم آن باشد که کسی صدقه او را بپذیرد. (۱)

۴۰- باز فرمود: در ماه رمضان سر و صدائی می‌شود، در ماه شوال اختلاف و اضطراب می‌شود، و در ماه ذی‌القعدة قبیله‌ها و گروه‌ها با هم‌دیگر می‌جنگند، در ماه ذی‌الحجه حاجیان گرفتار التهاب و آتش سوزی می‌شوند، در ماه محرم ندا کننده‌ای از آسمان ندا می‌کند: آگاه باشید که انتخاب شده خدای متعال از میان مخلوقاتش فلان بن فلان است، به او گوش دهید و اطاعت کنید؟ (۲)

**خدا همه ما را از مطیعان و ارادتمندان حضرت**

**مهدی ﷺ قرار دهد.**



مهدی هادی آنکه وجود شریف او

دارد چو روح در تن کون و مکان

شاهی که باد عدلش اگر در چمن وزد

گردد به زیر برگ ز وحشت خزان، خزان

گر در جهان ظهور ترا خصم منکر است

شاهد بس است خاتم پیغمبران بر آن

شاهان کنون ز چهره بکش پرده خفا

بنمای جلوه در نظر شیعیان عیان

اهل نفاق ساخته تیغ ستیز تیز

شمشیر کینه آخته مریخ سان، خسان

ای حجت خدای بکش تیغ انتقام

از روزگار دادِ دلِ دوستان بیستان

ای شه کون و مکان جز تو نداریم هوس

از هوسهای جهان دیدن رخسار تو بس

تا گل روی تو ظاهر نشود در این باغ

مردمان روی نمایند به هر خاری و خس

یک دمی با تو به از زندگی خضر بُود

ای مسیحا نفسی چونکه زما رفت نفس